



Examining Ibn Junaid's View about the Scope of hijab and Muslim Women's Shar'i Covering

Hosein Souzanchi¹

DOI:
10.30497/FLJ.2024.244687.1924



Abstract

Ibn Junaid Eskafi is one of the great Shiite scholars of the 4th century, whose books have not reached us, but some of his views have been quoted in jurisprudence books. Allameh Helii brought up a sentence of his about the clothing of men and women and he himself added an explanation to it, which has been misunderstood; To the extent that some non-experts have stated that Ibn Junayd considers the extent of obligatory covering for men and women to be equal in front of others! In this article, by an analytical method and by referring to the quoted sayings of Ibn Junayd, it becomes clear that such an understanding of Ibn Junayd's words was due to unfamiliarity with specialized jurisprudential texts, and Ibn Junayd did not believe in such a view not only regarding the women's veils in front of non-incest, but even in the "Prayer Veil"; Rather, the only difference between his opinion and others regarding women's veil is that he does not consider it obligatory to cover women's head during prayer, with the condition that non-incest does not see during prayer. Also, by carefully examining the above-mentioned quotes from him by Allameh Helii and others, it becomes clear that Ibn Junaid's sentence, which has been misunderstood, was only referring to the meaning of the word "Awrat", and if there is any ruling from it, it is the general ruling of veiling, which is also Both men and women are obliged to observe it in front of everyone (that is, even in front of their own sex and in front of incest); And his fatwa in this context is the same as the fatwa of the general Shia jurists.

Keywords: Ibn Junayd, hijab, woman, woman's veil, veil, Shar'i covering.

1. Professor Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran
souzanchi@gmail.com

بررسی رأی ابن جنید درباره محدودۀ حجاب و پوشش شرعی زن مسلمان

حسین سوزنچی^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

DOI: 10.30497/FLJ.2024.244687.1924

چکیده

ابن جنید اسکافی از علمای بزرگ شیعه در سده چهارم است که کتابی از او به ما نرسیده؛ اما برخی آرای وی در کتب فقهی نقل شده است. علامه حلی جمله‌ای از او درباره پوشش زن و مرد مطرح کرده، و خودش توضیحی بر آن افزوده است که ظرفیت سوء تفاهم دارد، تاجایی که برخی از غیرمتخصصان چنین اظهار داشته‌اند که ابن جنید حد واجب پوشش زن و مرد در برابر دیگران را مساوی می‌داند. در این مقاله با روش تحلیلی و با مراجعه به اقوال نقل شده از ابن جنید معلوم می‌شود که چنین برداشتی از کلام ابن جنید ناشی از ناآشنایی با متون تخصصی فقهی بوده، و ابن جنید نه تنها در خصوص پوشش زن در برابر نامحرم، بلکه حتی در «پوشش زن در نماز» نیز چنین دیدگاهی ندارد؛ بلکه تنها تفاوت نظر وی با دیگران در این باره، آن است که وی پوشش سر زن در نماز را مستحب می‌داند، با این شرط که نامحرمی وی را در حین نماز نبیند. با بررسی نقل قول‌های سخن وی در کتب علامه حلی و دیگران معلوم می‌شود که آن عبارت ابن جنید که مورد سوء تفاهم واقع شده، صرفاً ناظر به معنای واژه عورت بوده، و اگر حکمی هم از آن مدنظرش باشد، همان حکم عمومی پوشش است که هم زن و هم مرد در برابر همگان (یعنی حتی در برابر هم‌جنس و محارم خویش) موظف به رعایت آن هستند و فتوای وی در این زمینه همانند فتوای عموم فقهای شیعه است که همگی حد واجب پوشش زن را در برابر محارم و افراد همجنس همانند حد واجب پوشش مرد می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: ابن جنید، پوشش زن، حجاب، زن، ستر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

ابن جنید اسکافی از فقها و متکلمان بزرگ شیعه در سده چهارم (۲۹۰-۳۸۱ ق) است که متأسفانه هیچ یک از آثارش به ما نرسیده است؛ هرچند برخی از دیدگاه‌های وی در بحث‌های فقهی، از طریق آثار دیگران به‌ویژه علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق) به دست ما رسیده است. علامه حلی در یکی از آثار خود با نام *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، که به تصریح خود وی، به بررسی اختلافات علمای شیعه در مسائل شرعی و بیان ادله هر یک و ترجیح قول مختار اختصاص دارد (۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۶۰)، جمله‌ای از ابن جنید را درباره پوشش زن و مرد مطرح کرده، و خودش توضیحی بر آن افزوده، که مقصودش برای فقها معلوم بوده است؛ اما امروزه برخی از افراد غیرمتخصص درباره آن دچار بدفهمی شده، و پنداشته‌اند که ابن جنید حد واجب پوشش زن و مرد را در برابر دیگران مساوی می‌داند (برای مثال، ر.ک: ترکاشوند، ۱۳۹۰، ص ۷۸۰-۷۸۱). با توجه به اینکه علامه حلی در همین کتاب تصریح کرده است که نظر ابن جنید درباره «ستر صلاتی» (محدوده واجب پوشش در نماز) برای زنان این است که آنان، درجایی که نامحرم آن‌ها را نبیند، می‌توانند «مکشوفه الرأس» (بدون پوشش سر) نماز بخوانند، واضح است که چنان برداشتی از کلام ابن جنید، پذیرفتنی نیست؛ از این رو، برخی با تکلف فراوان سعی کردند تا کلمه «رأس» را که نزد اهل لغت به معنای «سر» است، مطابق با محدوده «کتف تا کمر» قلمداد کنند تا با ضمیمه کردن آن به این ادعا که پوشش واجب مردان نزد ابن جنید محدوده ناف تا زانو است^۱، سخن فوق را این‌گونه توجیه کنند که مقصود وی از جواز مکشوفه الرأس بودن زنان آن است که می‌توانند از کمر به بالا را نپوشانند (ترکاشوند، ۱۳۹۰، ص ۷۸۲-۸۰۵)^۲.

۱. در ادامه متن خواهیم دید انتساب این قول به ابن جنید نیز کاملاً نادرست است، بلکه این قول برخی دیگر از علما در خصوص محدوده پوشش مردان بوده است و اتفاقاً نظر ابن جنید در این مسئله به‌وضوح همان نظر عموم فقها است.
 ۲. از آنجاکه این تکلفات برای جمع بین این دو کلام ابن جنید انجام شده است و در متن نشان داده‌ایم که چگونه این دو کلام ابن جنید با هم سازگار است. نیازی به نقد این فراز از سخنان نویسنده مذکور ندیدیم؛ به‌ویژه آنکه در هیچ کتاب لغت معتبری اشاره‌ای به کاربرد کلمه «رأس» برای محدوده کتف تا کمر نشده است (برای توضیح بیشتر، ر.ک: سوزنچی، ۱۳۹۳، ص ۳۳-۳۶).

روش تحقیق در این مقاله همان روش اجتهادی است که در مقام استنباط حکم شرعی از متون دینی و نیز در خصوص استنباط نظر دیگر فقها در متون فقهی به کار گرفته می‌شود که اگر قرار باشد با روش‌های امروزی تطبیق داده شود، در زمره روش‌های تحلیلی محسوب می‌شود (برای تفصیل این بحث، ر.ک: پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۳۵-۴۲).

۱. عبارات علامه درباره قول ابن جنید در خصوص تساوی پوشش زن و مرد

از آنجاکه فهم دقیق عبارت ابن جنید نیازمند توجه به جملاتی است که قبل و بعد از نقل قول سخن وی آمده است، ابتدا لازم است نگاهی به اصل عبارات خود علامه حلی و نقل قولی که از ابن جنید داشته است، بیندازیم. علامه حلی می‌نویسد:

مسألة: قال الشيخ في المبسوط: «المرأة الحرة يجب عليها ستر رأسها و بدنها قرنھا إلى قدمھا، و لا يجب علیھا ستر الوجه و الکفین و ظهر القدمین و ان سترته کان أفضل». و قال في الإقتصاد: «و أمّا المرأة الحرة فإن جميعها عورة يجب ستره في الصلاة، و لا تكشف غیر الوجه فقط» و هذا يقتضي منع كشف الیدین و القدمین. و قال أبو الصلاح: «المرأة کلها عورة، و أقل ما یجزی الحرة البالغة درع سابغ إلى القدمین و خمار». و هذا یقتضي ما اقتضاه کلام الشيخ في الإقتصاد. و قال ابن الجنید: «الذي يجب ستره من العورتان و هما القبل و الدبر من الرجل و المرأة». و هذا يدلّ علی مساواة المرأة للرجل عنده في أن الواجب ستر قبلها و دبرها لا غیر. و الوجه ما قاله الشيخ رحمه الله في المبسوط، و هو اختیار ابن ادریس؛ یعنی: شیخ طوسی در کتاب المبسوط گفته است: «بر زن آزاد واجب است که سر و بدنش را از فرق سر تا قدمگاهها بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت و دو کف دست و پشت قدمگاهها واجب نیست، هر چند پوشاندنش بهتر است» و در کتاب الإقتصاد گفته است: «زن آزاد، پس تمام [بدن]ش عورت است، [بدین معنا] که باید آن را در نماز بپوشاند و جز صورت هیچ‌جایی را آشکار نکند» و لازمه این سخن وی آن است که آشکار کردن دو دست و دو قدمگاه ممنوع باشد. أبو الصلاح گفته است: «[بدن] زن تمامش، عورت

است، و حداقل چیزی که برای زن بالغ مجزی است، روسری و پیراهنی است که [به قدری بلند باشد که] تا قدمگاهها را بپوشاند» و مقتضای این کلام همان نظر شیخ طوسی در کتاب *الاقتصاد* است؛ ولی ابن جنید گفته است: «آنچه واجب است پوشاندنش از دو عورت که همان قُبُل (جلو) و دُبُر (پشت) زن و مرد است». این عبارت، دلالت دارد بر مساوات زن با مرد نزد وی، در اینکه آنچه واجب است پوشاندن قُبُل (جلو) او و دُبُر (پشت) اوست نه غیر آن. توجیه مطلب همان است که شیخ طوسی در *المبسوط* بیان کرد و این رأی مختار ابن ادریس نیز هست (۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۹۸).

علامه حلی در ادامه متن، همچون دیگر مواضع کتاب، به بیان نظر مختار خویش و ادله آن (که وجوب ستر سروبدن در نماز، و جواز نپوشاندن وجه و کفین و قدمین است) اشاره می‌کند؛ ولی چون عبارات بعدی ربطی به فهم مقصود ابن جنید ندارد، به همین مقدار بسنده شد. پیش از بحث درباره مراد ابن جنید، مناسب است ابتدا درباره متن عبارتی که از ابن جنید نقل شده است، تأملی شود. این عبارت ابن جنید که علامه در اینجا ذکر کرده است و ظاهراً فقهای بعدی همگی از وی نقل قول کرده‌اند، جمله‌ای ناقص است: «الذي يجب ستره من العورتان وهما القبل والدبر من الرجل والمرأة»؛ یعنی: آنچه پوشاندنش از دو عورت واجب است، همان قُبُل (جلو) و دُبُر (پشت) زن و مرد است. این عبارت در تمام نسخه‌های *مختلف الشیعة*^۱ به همین صورت آمده و در برخی از آثار علمای بعدی همچون *ذخیره المعاد* محقق سبزواری (د. ۱۰۹۰ ق) (۱۲۴۷ ق، ج ۲، ص ۲۳۷) نیز به همین صورت نقل شده است؛ اما در برخی دیگر از کتب متأخران، یعنی در *مدارک الأحکام* موسوی عاملی (د. ۱۰۰۹ ق) (۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۸۸) و آثار مجلسی (د. ۱۱۱۰ ق) مانند *بحار الأنوار* (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۰، ص ۱۸۰) و *مرآت العقول* (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۵، ص ۳۰۵) و *ملاذ الأخیار* (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، ص ۲۱۲) و نیز در *حلائق*

۱. آن‌طور که در مقدمه کتاب آمده، متن منتشر شده کنونی *مختلف الشیعة* بر اساس بازخوانی هفت نسخه موجود از این کتاب است که یکی از آن نسخه‌ها را ابراهیم بن یوسف استرآبادی از روی متن خود علامه حلی استنساخ کرده، و متن خود را بر خود علامه عرضه کرده، و علامه حلی به خط خویش آن را اجازه داده است (۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۶۳).

بحرانی (د. ۱۱۸۶ ق) (۱۴۰۵ ق، ج ۷، ص ۷) کلمه «البدن» را اضافه دارد که در این صورت به شکل یک جمله کامل درمی آید: «الذي يجب ستره من البدن العورتان وهما القبل والدبر من الرجل وللمرأة»؛ یعنی: آنچه از بدن پوشاندنش واجب است، دو عورت است که همان قُبُل (جلو) و دُبُر (پشت) زن و مرد است. البته در کتابی که به اسم مجموعه فتاوی ابن جنید چاپ شده (۱۴۱۶ ق، ص ۵۲) نیز با اینکه برای این نقل قول به کتاب *مختلف الشیعة* آدرس داده است، اما به همین صورت اخیر مطلب را آورده است. در اینجا دو احتمال است: ۱. علامه حلی، با توجه به توضیحاتی که در ادامه خواهد آمد، برای بیان مقصود خود صرفاً عبارت نیمه‌تمامی از کتاب ابن جنید را آورده است؛ ۲. امثال موسوی عاملی و مجلسی و بحرانی احتمال داده‌اند که علامه حلی در نگارش این مطلب دچار سهو القلم شده است؛ از این رو، با افزودن کلمه «البدن» به متن، عملاً تصحیح قیاسی انجام داده‌اند، اما سبزواری نیازی به چنین تصحیح قیاسی‌ای احساس نکرده است. چنان‌که در ادامه خواهیم دید چون نقل علامه، نه برای اشاره به فتوای ابن جنید، بلکه صرفاً برای استشهاد لغوی بوده، و نیازی به چنین تصحیح قیاسی نبوده است؛ اما برای بیان ساده‌تر مطلب، این بحث براساس قبول این تصحیح قیاسی (یعنی فرض وجود کلمه «البدن» در متن ابن جنید و حذف آن به دلیل سهو القلم علامه حلی) پیش می‌رود.

۲. ادله و قرائن موجود برای فهم دیدگاه ابن جنید

آیا واقعاً ابن جنید محدوده پوشش زن و مرد «دربرابر نامحرم» را مساوی می‌دانسته، و علامه حلی هم این را ذکر کرده، و بدون هیچ نقدی از کنار آن رد شده است؟ حقیقت این است که در عبارت ابن جنید اشاره نشده است که این سخن درباره حد پوشش «دربرابر نامحرم» است، که اگر چنین قولی در میان علمای شیعه مطرح بود، چون کاملاً با نظر همه علمای متفاوت است، حتماً توجه همگان را جلب می‌کرد و محل مناقشات جدی قرار می‌گرفت؛ هم بهانه‌ای در دست اهل سنت می‌شد که با آن بر شیعه بتازند، و هم با توجه به جایگاه و اعتبار ابن جنید، بسیاری از علمای شیعه لااقل در نقد و رد نظر وی مطلب می‌نوشتند. مهمتر اینکه این جملات را علامه حلی در کتاب *مختلف الشیعة* خود آورده است که اساساً هدف - و به تبع آن سبک -

این کتاب آن است که دربارهٔ اختلاف اقوال علمای شیعه و ادلهٔ آن‌ها سخن گفته شده است، درحالی که علامه هیچ اشاره‌ای به ادلهٔ وی نمی‌کند.

آنچه بهتر نشان می‌دهد که علامه اصلاً چنین برداشتی از جملهٔ ابن جنید نداشته، عبارتی است که علامه بلافاصله می‌آورد: «توجیه مطلب همان است که شیخ طوسی در کتاب *المبسوط* گفت و ابن‌ادریس هم همان را برگزید». اگر قرار باشد طبق برداشت افراد غیرمتخصص این جمله معنا شود، احتمالاً باید این‌طور معنا شود که توجیه اینکه زن و مرد در پوشش با هم مساوی‌اند، همان ادله‌ای است که شیخ در *المبسوط* ذکر کرد و نشان داد حد واجب پوشش برای زن، تمام بدن غیر از وجه و کفین و پشت قدمین است! (توجه شود نظر شیخ در *المبسوط* در همان شروع جملات علامه ذکر شد).

همهٔ اینها وقتی مهمتر می‌شود که توجه شود علامه حلی در مسئلهٔ قبلی همین کتاب، رأی ابن جنید در خصوص «ستر صلاتی» را (که محل اختلاف ابن جنید با بقیهٔ علمای شیعه بود) چنین ذکر کرد:

مسألة: المشهور بين علمائنا وجوب ستر الرأس للحرّة البالغة وقال ابن الجنيد: لا بأس أن تصلي المرأة الحرّة وغيرها وهي مكشوفة الرأس حيث لا يراها غير ذي محرم لها؛ يعني: مشهور بين علمای ما وجوب پوشاندن سر زن بالغ آزاد است؛ ولی نظر ابن جنید این است که زن آزاد و غیرآزاد اشکالی ندارد که بدون پوشش سر، نماز بخواند درجایی که فرد نامحرمی وی را نمی‌بیند (۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۹۶).

این جملات به‌وضوح نشان می‌دهد که ابن جنید عدم پوشش سر زن را در نماز، صرفاً در جایی مجاز می‌داند که مرد نامحرمی وی را نبیند؛ یعنی وی نیز درجایی که مرد نامحرمی باشد، پوشاندن سر را برای زن واجب می‌داند. علامه در ادامه، ادلهٔ ابن جنید بر این قول را نقل، و سپس به تفصیل نقد می‌کند. آیا منطقی است که وقتی ابن جنید فقط دربارهٔ پوشاندن سر زنان در نماز، آن هم با تأکید بر اینکه نامحرمی نباشد، فتوای مخالف مشهور می‌دهد، علامه به تفصیل سخن بگوید؛ اما در کتابی که اساساً برای بررسی ادلهٔ اقوال مختلف نوشته شده، روایت

کافی بودن پوشش عورتین برای زن در برابر نامحرم را که خلاف اجماع شیعه و سنی در طول تاریخ بوده است^۱، بدون هیچ نقدی، نقل کند؟!^۲

عبارت ابن جنید مبنی بر جواز نپوشاندن سر برای زن در نماز به صراحت مقید است به قید: «حیث لایراها غیر ذی محرم لهما»؛ یعنی درجایی که نامحرمی او را نبیند. این قید به خوبی نشان می‌دهد که ابن جنید هم مانند همه علمای شیعه، پوشاندن سر زن در برابر نامحرم را واجب می‌داند و نسبت دادن این قول که وی حد واجب پوشش زن در برابر مرد نامحرم را منحصر به عورتین می‌داند،^۳ صریحاً خلاف نظر اوست.

اکنون این سؤال باقی می‌ماند که مقصود ابن جنید از آن عبارت چه بوده است. باتوجه به اینکه تنها منبع ما برای فهم مراد ابن جنید همین عبارات علامه حلی است، لازم است به جایگاه این دو نقل قول از ابن جنید در میان بحث‌های علامه و نحوه استفاده وی از آن، توجه جدی کرد تا از بستر و سیاق کلام، مراد گوینده آشکار شود.

ابتدا باید به یاد داشت که دغدغه علامه در این کتاب، چنان‌که از عنوانش (مختلف الشیعة) نیز پیداست، پرداختن به فتاوی‌ای است که در میان شیعه نیز محل اختلاف بوده است. در این فراز از کتاب، سه مسئله محل توجه علامه است:

۱. وجوب حجاب زن در برابر نامحرم مورد توافق فقهای همه مذاهب اسلامی بوده، و اگر اختلافی هم بوده است صرفاً درباره مواضع استثناء شده از حکم پوشش است که آیا وجه و کفین (دو کف دست) و قدمین (دو کف پا) برای زنان استثنا شده، یا پوشاندن آن‌ها هم بر زن واجب است (برای مطالعه مستندات این مسئله، ر.ک: سعیدی، ۱۳۹۳، ص ۵۴-۵۸).

۲. برخی از علما همچون صاحب *حلائق* هم بر این نکته تأکید کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۷، ص ۱۱).

۳. نویسنده مذکور که می‌خواهد از این عبارت ابن جنید جواز برهنگی زن در برابر مرد را نتیجه بگیرد به جملات برخی از فقها تمسک می‌کند که ستر صلاتی با ستر در برابر نامحرم را یکی دانسته‌اند (ترکاشوند، ۱۳۹۰، ص ۶۸۵)؛ در حالی که اتفاقاً شخصیت بارزی که این دو را یکسان نمی‌دانسته، همین ابن جنید است؛ تاحدی که امثال صاحب *حلائق* پس از بیان یکسان بودن حد این دو پوشش (در نماز و در برابر نامحرم) برای زن سخن مخالف خود، ابن جنید را نقد می‌کنند. ترکاشوند با اینکه از تفاوت ابن جنید با دیگران در این مسئله باخبر است (همان، ص ۶۸۶)؛ اما وقتی درباره ابن جنید سخن می‌گوید، فرض را بر این می‌گذارد که نزد او هم این دو یکی است، و فتوای ابن جنید را تساوی پوشش زن و مرد هم در نماز و هم در برابر نامحرم معرفی می‌کند! (ترکاشوند، ۱۳۹۰، ص ۷۸۰-۸۲۶).

الف - مسئله نخست: درباره حد پوشش مردان در نماز است که وی اشاره می‌کند فتوای مشهور این است که بر مرد واجب است که در نماز عورتین خود را بپوشاند. علامه در اینجا به اقوال دیگری از ابن سراج و ابوالصلاح اشاره می‌کند که براساس آن‌ها در نماز پوششی بیش از این مقدار (از ناف تا ران، یا از ناف تا زانو) برای مرد لازم دانسته شده است. علامه ادله آن‌ها را نقل، و رد می‌کند. در اینجا سخنی از ابن جنید نیست.

ب - مسئله دوم: او ابتدا بیان می‌کند که «مشهور میان علمای شیعه و جوب پوشاندن سر زن آزاد بالغ است»؛ سپس اشاره می‌کند که ابن جنید مکشوفة الرأس بودن زن را در هنگام نماز و بدون حضور نامحرم پذیرفته است؛ و سپس استدلال‌های وی بر جواز نپوشاندن سر در نماز را ذکر، و در آن‌ها مناقشه می‌کند و نشان می‌دهد که زن در نماز هم باید سر خود را بپوشاند ولو آنکه نامحرمی وی را نبیند.^۱

ج - مسئله سوم: مسئله سوم، محل سوءتفاهم است. در اینجا باید به عین عبارات علامه توجه کرد تا ضمن فهم مراد علامه از نقل کلام ابن جنید، مقصود اصلی ابن جنید آشکار شود؛ اما پیش از بیان عبارات ایشان، تذکر نکته‌ای درباره کاربرد کلمه «عورت» در ادبیات حدیثی و فقهی درباره بدن زن لازم است. چنان‌که در جای دیگر به تفصیل نشان داده‌ام، برخلاف برداشت‌های ناصواب برخی از معاصران از کاربرد این واژه در احادیث و فقه، کاربرد این واژه درباره زنان هیچ بار توهین‌آمیزی ندارد؛ زیرا این استفاده به معنای اصطلاحی متأخر این واژه (که بر عضو خاصی از انسان اطلاق می‌شود) ربطی ندارد. حدیثی به‌نحو متواتر در کتب حدیثی و فقهی شیعه و سنی از پیامبر اکرم روایت شده است با این عبارت که: «النساء عَوْرَةٌ»، که موجب شده است این کلمه به صورت اصطلاح در بحث‌های فقهی هم به کار رود. آیا مراد از این واژه

۱. دقت کنید: ابن جنید برای اینکه همین مقدار جواز [نپوشاندن سر فقط در نماز و مشروط بر نبودن نامحرم] را به کرسی بنشاند، چند استدلال می‌آورد که علامه آن‌ها را نقد می‌کند؛ پس آیا می‌شود پذیرفت که نظر ابن جنید این بوده است که بر زن واجب نیست در برابر مرد غیر از عورتین خود را بپوشاند و هیچ دلیلی هم بر مدعای خود نیاورد؟ آیا می‌توان به وی نسبت داد که در نماز و بدون نامحرم هم محدوده واجب را فقط عورتین می‌دانسته است؟ آیا علامه در کتابی که هدفش بررسی اختلافات علمای شیعه است، چنین ادعایی را بدون بیان استدلال‌ات ابن جنید یا نقد آن‌ها، نقل می‌کند؟

در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) همین معنای امروزی آن (آلت تناسلی) بوده است؟ قطعاً خیر. شاهد ساده آن کاربردهای قرآنی این واژه است. قرآن کریم درباره کسانی که بهانه‌جویی می‌کردند که از جهاد فرار کنند، می‌فرماید: «آن‌ها می‌گویند خانه‌های ما عورت است»^۱ (احزاب/۱۳) یا درباره زمان‌های خلوت زن و شوهر که حتی فرزندان‌شان هم بدون اجازه نباید وارد شوند، تعبیر عورت را به کار می‌برد^۲ (نور/۵۹). پس تعبیر عورت، نه فقط درباره زنان، بلکه درباره برخی خانه‌ها و برخی زمان‌ها هم به کار رفته است. در کتبی که به ریشه‌یابی لغات پرداخته‌اند، این کلمه از طرفی با معنای «خالی بودن» و «خلوت»، از طرفی با معنای «مراقبت» و از طرفی دیگر با مفهوم «حیا» گره خورده است. شاید ترجمه فارسی «شرمگاه» (محلّی که عدم مراقبت از آن موجب شرمندگی می‌شود) ترجمه‌ای بسیار دقیق از این واژه است که در تمام کاربردهای قرآنی این واژه (خانه‌ای که خالی بماند، زمان‌های اختصاصی زن و شوهر، اندام جنسی، و...) معنا پیدا می‌کند. پس معنای عبارت «زن عورت است»، تعبیری مجازی در زمان پیامبر (ص) است؛ به این معنا که بدن زن اقتضای حیای ویژه‌ای دارد که اگر مراقبت نشود «محل نگاه‌های شرم‌آور» (شرم‌گاه) قرار خواهد گرفت^۳ (سورنچی، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۷۰).

اکنون سراغ عبارات علامه برویم که در ابتدای بحث ذکر شد و این نکته را یادآور می‌شویم که علامه حلی در ادامه، استدلال‌های خود را در تأیید قول مشهور بیان می‌کند. علامه ابتدا می‌گوید شیخ طوسی در کتاب *المبسوط* گفته است که زن باید سر و بدنش را غیر از وجه و کفین و پشت قدمین، به‌طور کامل بپوشاند. سپس از کتاب *الاقتصاد* وی جمله‌ای می‌آورد که گویی شیخ فقط وجه را استثنا کرده است و پوشاندن کفین و قدمین را هم در نماز واجب

۱. «يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا».

۲. «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ».

۳. مثلاً خلیل بن احمد بر این باور است که عورت به معنای هر چیزی است که انسان نوعی حیا [و نگرانی ناشی از دلسوزی] نسبت به آن دارد (۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۲۳۵)؛ ابن فارس معنای اصلی «عورت» را عبارت می‌داند از: هر چیزی که به سبب خالی و در خلوت ماندنش، به مراقبت نیاز دارد (۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۸۴)؛ و مصطفوی می‌گوید: اصل این لغت، هر چیزی است که آشکار [= خالی از پوشش و حفاظ] شدنش ناخوشایند و پوشاندنش عرفاً لازم است (۱۳۶۸، ج ۸، ص ۲۵۹).

دانسته است. از اینجا به بعد، عبارات علامه برای فهم اینکه چرا آن سخن را از ابن جنید آورده، مهم است. دقت کنید: ابوالصلاح حلبی (د. ۴۴۷ ق) شاگرد شیخ طوسی است؛ از این رو، ابتدا از ابوالصلاح با استناد به کاربرد کلمه «عورت» در خصوص زن، تأییدی برای فتوای شیخ در *الإقتصاد* می‌آورد؛ سپس به جملات ابن جنید می‌پردازد. ابن جنید استاد شیخ مفید، و شیخ مفید استاد شیخ طوسی است. در واقع، تأییدی که از سخن ابوالصلاح برای نظر شیخ در کتاب *الإقتصاد* می‌آورد، مبتنی بر دلالت کلمه «عورت» در خصوص زنان است؛ اما علامه می‌خواهد بگوید این دلالت، دلالت قطعی لفظ نیست؛ زیرا در کلام فقها (حتی فقهای که دو رده بر شیخ طوسی هم مقدم بوده‌اند) کلمه «عورت» درباره زن، همانند مرد، در خصوص همان دو عضو خاص به کار رفته است؛ که اگر چنین باشد دیگر آن توضیح ابوالصلاح (شاگرد شیخ) برای عبارات کتاب *الإقتصاد* شیخ، پذیرفتنی نخواهد بود.

به تعبیر دیگر، وی می‌خواهد بگوید با توضیح ابوالصلاح، چه‌بسا بتوان از این قول شیخ طوسی در کتاب دیگرش دفاع کرد؛ اما سخنی از ابن جنید (که استاد استاد شیخ طوسی است) در مقام بیان اصطلاح «عورتان» وجود دارد که نشان می‌دهد تعبیر «عورتان» به معنای دو عضو خاص جلو و عقب درباره زنان هم همانند مردان به کار می‌رود؛ و می‌دانیم از حیث حرمت عمومی (یعنی حتی در برابر محارم و نیز زنان در برابر زنان و مردان در برابر مردان) این دو عضو خاص هستند که پوشاندنشان در زن و مرد مساوی است و پوشاندنش از جانب هم زن و هم مرد حتی در برابر محارم یا همجنس خود لازم است.

اکنون مقصود از عبارت بعدی علامه هم معلوم می‌شود. دیدیم که وی پس از نقل این کلام ابن جنید، اصلاً متعرض مخالفت یا نقد دیدگاه وی نشد، بلکه بیان کرد: آنچه موجه است همان کلام شیخ در *المبسوط* است که ابن‌ادریس هم همان را گفته است. در واقع، علامه می‌خواسته بگوید معلوم نیست این‌گونه شرح ابوالصلاح، توجیه مناسبی برای کلام شیخ در *الإقتصاد* باشد؛ چراکه کاربرد کلمه «عورت» در خصوص دو عضو خاص، در کلام فقهای مقدم بر شیخ هم سابقه دارد؛ پس آنچه در خصوص پوشش زنان در نماز موجه است، نه سخن شیخ در *الإقتصاد*،

بلکه همان کلام شیخ در *المبسوط* است که ابن ادریس (د. ۵۹۸ ق) هم همان را گفته است. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۶۰) و ظاهراً اشاره به نام ابن ادریس از این جهت است که معروف است که ابن ادریس هیمنه شیخ طوسی را شکست و در بسیاری از فتاوی با وی مخالفت کرد و علامه با اشاره به اینکه ابن ادریس هم همین را گفته است، می‌خواهد نشان دهد که این مطلبی است که همگان بر سر آن وفاق دارند و حتی ابن ادریس که در بسیاری از مواضع با نظر شیخ مخالفت کرده است، همین رأی را دارد. به همین جهت، وقتی علامه سخن ابن جنید را آورد، اصلاً متعرض ادله وی نشد یا درصدد نقد وی برنیامد؛ زیرا این کلام را قولی از اقوال اختلاف‌برانگیز شیعه نمی‌دانست، بلکه صرفاً استشهاد به سخن ابن جنید بود تا مراد شیخ طوسی فهمیده شود.

۳. شواهدی از کلام علما در فهم مقصود ابن جنید

الف - تبیین شهید اول از مقصود ابن جنید درباره کلمه «عورت»

شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ ق)، که شاگرد فخرالمحققین (فرزند علامه حلی) بوده، ظاهراً نخستین کسی است که پس از علامه حلی به این سخن ابن جنید اشاره کرده است. وی در کتاب *ذکری الشیعة*، پس از اینکه به تفصیل درباره حد واجب پوشش زن و مرد در نماز و غیرنماز توضیح می‌دهد، به صورت مسئله‌ای مستقل به «بیان حد و مرز عورت» (تحدید العورة) می‌پردازد. ایشان ابتدا اشاره می‌کند که کاربرد این کلمه در ادبیات فقها در خصوص مرد، همان قُبُل (جلو) و دُبُر (پشت) است؛ اما در خصوص زن به کل بدن وی (غیر از وجه و کفین و قدمین) اطلاق می‌شود. سپس سرفصلی با عنوان «دیدگاه‌های نادر در این مسئله در میان علمای شیعه» باز می‌کند و متن زیر را می‌آورد:

و هنا أقوال نادرة للأصحاب: أحدها: قول ابن البراج: انَّ العورة من السرة إلى الركبة. و الثاني: قول أبي الصلاح: إنَّها من السرة إلى نصف الساق. و الثالث: قول ابن الجنيد: انَّ الرجل والمرأة سوا، في ان العورة هي القبل والدبر؛ لرواية أبي أيوب الأنصاري عن النبي صَلَّى الله عليه و آله: «أسفل السرة، و فوق الركبة، من العورة». و روي عنه صَلَّى الله عليه و آله انه قال: «الركبة من العورة». و روي ابن بكير منا: «لا بأس بالمرأة المسلمة الحرة مكشوفة

الرأس». و الجواب: يحمل الخبران الأول على الندب توفيقاً، والخبر الآخر ضعيف السند، مخالف للمشهور ولما هو أصحّ سندا، وتأوله الشيخ بالحمل على الضرورة أو الصغيرة؛ يعني: در اینجا دیدگاه‌های نادری هم در میان علمای ما هست: ۱. نظر ابن‌براج: عورت عبارت از ناف تا زانو است؛ ۲. نظر ابوالصلاح: [عورت] عبارت از ناف تا نیمه ساق پا است؛ ۳. نظر ابن‌جنید: مرد و زن در این باره مساوی‌اند که [صدق کلمه] عورت برای آن‌ها همان قُبُل (جلو) و دُبُر (پشت) است. به دلیل روایت ابویوب انصاری از پیامبر (ص) که فرمود: «پایین ناف و بالای زانو، از عورت است»؛ و از آن حضرت (ص) روایت شده است که: «زانو از عورت است». ابن‌بکیر در منابع شیعه روایت کرده است: «برای زن مسلمان آزاد اشکال ندارد که در حالی که سرش پوشیده نیست [نماز بخواند]». و جواب این است که دو روایت اول بر استحباب حمل شده است تا با بقیه روایات سازگار باشد، و روایت آخر سند ضعیفی دارد که هم مخالف نظر مشهور علمای شیعه، و هم مخالف با روایاتی است که سندشان صحیح است؛ شیخ طوسی در تأویل این روایت، آن را بر حالت اضطرار یا بر دختر نابالغ حمل کرده است (۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۹۸).

مشاهده می‌کنید که در اینجا سه قول ابن‌براج و ابوالصلاح و ابن‌جنید مطرح می‌شود؛ سپس به ترتیب روایاتی که مستمسک هر یک از این سه نفر برای نظر خویش بود، می‌آید، و در سند و دلالت روایات مورد استناد این افراد مناقشه می‌کند. این سه قول درباره محدودۀ صدق کلمه «عورت» است؛ دو نفر اول محدودۀ آن را بیش از دو عضو قُبُل (جلو) و دُبُر (پشت) می‌دانند؛ اولی فاصله ناف تا بالای زانو، و دومی فاصله ناف تا نیمه ساق پا را مصداق عورت می‌شمارد؛ ولی قول نفر سوم یعنی ابن‌جنید، این است که کاربرد کلمه عورت در خصوص زن و مرد یکسان است و همان قُبُل (جلو) و دُبُر (پشت) است. دو حدیث اولی که شهید اول در دلالتشان خدشه وارد می‌کند، دقیقاً ناظر به همان مدعای ابن‌براج و ابوالصلاح است. جالب اینجاست که حدیث سوم که دلیلی برای قول ابن‌جنید می‌آورد و در سندش خدشه وارد می‌کند، روایت ابن‌بکیر از

امام صادق (ع) است که: «لَا بَأْسَ بِالْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ الْحُرَّةِ [أَنْ تُصَلِّيَ وَهِيَ] مَكْشُوفَةُ الرَّأْسِ». شاهد بحث ما این است که مفاد این حدیث (که در نقل شهید اول، استدلال ابن جنید برای تعیین محدوده پوشش زن است) دقیقاً همان مطلبی است که در کتاب *مختلف الشیعة* علامه به عنوان نظر فقهی او ذکر شده است. این امر به خوبی نشان می‌دهد که ابن جنید وقتی گفته «کلمه عورت، درخصوص مرد و زن مساوی است»، مقصودش این است که کلمه عورت در زنان و مردان به یک معناست و همان حدی است که در برابر عموم افراد (حتی در برابر نامحرم و افراد هم جنس) پوشاندنش لازم است، و می‌خواهد بگوید این کلمه به معنای «تمام بدن غیر از وجه و کفین و قدمین» نیست، تا از احادیث و جوب پوشاندن عورت در نماز، پوشش سر زن را هم نتیجه بگیرد؛ از این رو شهید اول این نظر وی (که عورت در زنان به معنای «تمام بدن غیر از وجه و کفین و قدمین» نیست) را در تعیین حد و مرز عورت، نظر نادری در میان اصحاب برمی‌شمرد. در واقع نظر ابن جنید به هیچ وجه این نیست که حد و جوب پوشش زن و مرد مساوی است؛ بلکه وی برای تعیین حد و جوب پوشش زن به احادیث متعدد دیگری تمسک می‌کند، و فقط می‌گوید این محدوده را با صرف روایاتی که دلالت بر پوشاندن عورت دارد، نمی‌توان تعیین کرد.

این همان مطلبی است که بعدها صاحب جواهر هم بر آن تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که آنچه از ابن جنید درباره تساوی عورت مرد و زن نقل شده، مقصودش بیان اتحاد مسمای عورت است، نه حکم مربوط به زن و مرد (۱۴۰۴ ق، ج ۸، ص ۱۶۵)^۲. اکنون معلوم می‌شود که اگر

۱. عبارت «أَنْ تُصَلِّيَ وَهِيَ» در تمام نقل‌های این حدیث ابن‌بکیر در کتب اربعه این عبارت موجود است (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۱۸، و نیز ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۳۸۹) و واضح است که در نقل *ذکری* از باب اختصار حذف شده است.

۲. نعم يمكن تحصيل الإجماع على وجوب ستر ما عدا الوجه والكفين والقدمين والشعر والعنق في الصلاة فضلا عن منقوله، إذ المحكي عن ابن جنيد من تساوي الرجل والمرأة في العورة مع أنه غير ثابت، لاحتمال وقوع ذلك منه في بيان اتحاد مسمى العورة لا الملحق بها في الحكم من باقي الجسد، كما يؤيده ما قيل من أن المصنف في المعبر نسب إليه أن المرأة لا تكشف في الصلاة غير الوجه، وان أبا العباس في المهذب نسب إليه أن جسدها عورة دون رأسها غير قاذح، خصوصاً مع عدم الدليل له سوى الأصل المقطوع بما عرفت و تعرف.

جمله اصلی ابن جنید همان باشد که در *مختلف الشیعة* و سپس در *ذخیره المعاد* آمده، و دیگران تصحیح قیاسی کرده باشند، آنگاه کاملاً واضح است که نقل قول علامه حلی از ابن جنید اصلاً به نظر ابن جنید در خصوص حد و جوب پوشش در برابر نامحرم ربطی ندارد، بلکه علامه صرفاً در حین بحث خود به معنای کلمه عورتان نزد ابن جنید اشاره کرده، و همین عبارت ناقص وی، برای استتهاد علامه کافی بوده است.

ب. هشدار میرزای قمی درباره پرهیز از سوء تفاهم از کلام ابن جنید

هر متن تخصصی در صورت مطالعه افراد غیرمتخصص، ظرفیت سوء تفاهم و به تبع آن سوء استفاده دارد، اما شخصی که فقیه باشد وقتی با سخن فقیه دیگر روبه‌رو می‌شود، بلافاصله مقصود وی را می‌فهمد. در این میان برخی از فقها به این سوء تفاهم‌هایی که ممکن است برای افراد مبتدی رخ دهد نیز توجه داشته‌اند؛ از جمله میرزای قمی (د. ۱۲۳۱ ق) که نه تنها بر همین معنایی که همه فقها از عبارات ابن جنید و علامه فهمیده‌اند، تأکید می‌کند، بلکه اشاره می‌کند که این سخن ابن جنید ظرفیت سوء تفاهم دارد؛ ولی با کنار هم گذاشتن عبارات وی، مقصود درست او فهمیده می‌شود. میرزای قمی پس از مطرح کردن همین تفاوت نظر ابن جنید با دیگران در خصوص پوشش سر زن در نماز بیان می‌دارد:

چه بسا درباره سخن برخی از بزرگان در نقل قول خود از ابن جنید، شبهه ایجاد شود، بدین نحو که کسی گمان کند سخن ابن جنید این است که وی فقط و جوب پوشاندن قُبُل (جلو) و دُبُر (پشت) را در نماز قبول دارد، در حالی که واضح است چنین مقصودی نداشته است؛ بلکه مراد ابن جنید از بیان «عورت»، همان چیزی بوده، که پوشاندنش نه فقط در نماز که حتی از محارم نیز واجب است. همین که جواز نپوشاندن سر در نماز را مشروط به نبودن نامحرمی که شاهد وی باشد، دانسته است برای تصدیق این مطلب کافی است (۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۲۵۴)¹.

۱. و ربّما یشبهه کلام بعض الأصحاب فی نقل قول ابن الجنید بأنّه لا یقول بوجوب ستر غیر القبل و الدبر علی المرأة فی الصلاة، و لیس كذلك بل مراد ابن الجنید بیان العورة بمعنی ما یجب ستره حتّی عن المحارم، لافی خصوص حال الصلاة. و اشتراط تجویزه کشف الرأس بعدم وجود غیر ذی محرم شاهد صدق علی ذلك.

ج. نحوه گزارش علمای مختلف از فتوای ابن جنید

ابن جنید فقیه ناشناسی نیست که فقها نسبت به آرای فقهی او بی‌اعتنا باشند، و اتفاقاً هر جا نظر متفاوتی داده، به‌طور جدی درباره آن بحث شده است. یکی از دلایل مهم نادرستی برداشت افراد غیرمتخصص از سخن ابن جنید، این است که نه فقط علامه حلی، بلکه هیچ فقیهی با دیدن این نقل قول از علامه، این قول را به ابن جنید نسبت نداده است که وی محدوده پوشش واجب زن را، حتی در نماز، در حد عورتین می‌داند، تا پس‌از آن بخواهد با این قول مناقشه کند. جالب اینجاست که اغلب فقها هنگام اشاره به نظر فقهی او، بر همین قول صریح وی که علامه حلی ذکر کرده است (جواز نپوشاندن سر برای زن در نماز در جایی که نامحرم او را نبیند) تأکید کرده‌اند؛ و بسیاری از آن‌ها این دو عبارت وی را کنار هم ذکر کرده، و هیچ منافاتی بین این دو ندیده‌اند؛ مثلاً ابن فهد حلی (۷۵۷-۸۴۱ ق) حدود یک سده پس از علامه حلی، وقتی می‌خواهد به نظر متفاوت ابن جنید در پوشش زن اشاره کند بیان می‌کند که درباره پوشش زن سه قول هست: کل بدن غیر از وجه و کفین و قدمین (نظر شیخ طوسی در کتاب *المبسوط*)؛ کل بدن غیر از وجه (نظر شیخ طوسی در کتاب *الإقتصاد*)؛ و کل بدن غیر از سر در جایی که نامحرمی نبیند (نظر ابن جنید) (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۳۰).^۱ همچنین بسیاری دیگر از فقها همچون صاحب *مدارک*، موسوی عاملی (د. ۱۰۰۹ ق) (۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۸۸)^۲ و

۱. المرأة، وفيها ثلاثة أقوال: (الف): الجسد، دون الرأس، إلا أن يكون هناك ناظر ليس بمحرم، وهو قول أبي علي؛ واحتجاجة: برواية عبد الله بن بكير عن الصادق (عليه السلام) قال: لا بأس بالمرأة المسلمة أن تصلي مكشوفة الرأس وبأصالة الصحبة، وبراءة الذمة من وجوب الزائد عمّا وقع عليه الإجماع. مندفع، بضعف السند، والمعارضة بتيقن شغل الذمة، والاحتياط. (ب): أنه الجسد مع الرأس، دون الوجه والكفين والقدمين. وهو قول الشيخ في المبسوط واختاره ابن إدريس، والمصنف، والعلامة. (ج): أنه جميع البدن ما عدا الوجه فقط، وهو قول الشيخ في الإقتصاد.

۲. اختلف الأصحاب فيما يجب ستره من المرأة في الصلاة، فذهب الأكثر ومنهم الشيخ في النهاية والمبسوط إلى أن الواجب ستر جسدها كله عدا الوجه والكفين وظاهر القدمين. وقال في الإقتصاد: وأما المرأة الحرة فإن جميعها عورة يجب عليها ستره في الصلاة ولا تكشف غير الوجه فقط. وهذا يقتضي منع كشف اليدين والقدمين. وقال ابن الجنيد: الذي يجب ستره من البدن العورتان، وهما القبل والدبر من الرجل والمرأة، ثم قال: ولا بأس أن تصلي المرأة الحرة وغيرها وهي مكشوفة الرأس حيث لا يراها غير ذي محرم لها. والمعتمد الأول.

محقق سبزواری (د. ۱۰۹۰ ق) (۱۲۴۷ ق، ج ۲، ص ۲۳۷)^۱ و صاحب حدائق، بحرانی (م ۱۱۸۶) (۱۴۰۵ ق، ج ۷، ص ۷)^۲ نیز هنگام نقل سخن ابن جنید این دو عبارت او را که علامه از وی نقل کرده، پشت سرهم می‌آورند. این امر نشان می‌دهد قطعاً منظور ابن جنید از جمله اول، منحصر کردن وجوب پوشش زن به عورتین نبوده، بلکه صرفاً محدوده‌ای را بیان کرده است که هر انسانی (اعم از زن و مرد) در مقابل انسان دیگر (اعم از زن و مرد) باید بپوشاند.

یافته‌های پژوهش

از ابن جنید کتابی به ما نرسیده است که بتوان آراء وی را مستقیم از آن نقل کرد؛ بلکه تنها براساس جملاتی که قدما از وی نقل کرده‌اند، می‌توان فتاوی فقهی وی را به دست آورد. جمله‌ای که علامه حلی از ابن جنید نقل، و آن را به معنای مساوی دانستن معنای عورت در زن و مرد معرفی کرده، صرفاً شاهی لفظی برای کاربرد کلمه «عورت» بوده است، نه اینکه ابن جنید در مقام بیان حد واجب پوشش زن و مرد در برابر نامحرم باشد و این دو را مساوی بداند؛ زیرا نه تنها در عبارت ابن جنید کلمه‌ای وجود ندارد که دلالت کند وی درباره پوشش زن و مرد «در برابر نامحرم» سخن می‌گفته؛ بلکه در جمله‌ای که خود علامه در مسئله قبلی کتابش از او نقل کرده است، و برخی همچون صاحب مدارک، این جمله را عبارت بعدی ابن جنید دانسته‌اند،

۱. واعلم أن الأصحاب اختلفوا فيما يجب ستره على المرأة في الصلاة فالأكثر ومنهم الشيخ في النهاية والمبسوط على ما قاله المصنف وقال في الاقتصاد وأما المرأة الحرة فإن جميعها عورة يجب عليها ستره في الصلاة ولا تكشف غير الوجه فقط وقال أبو الصلاح المرأة كلها عورة وأقل ما يجزي الحرة البالغة درع سابغ إلى القدمين وخمار قال المصنف وهذا يقتضي ما اقتضاه كلام الشيخ في الاقتصاد وقال ابن زهرة والعورة الواجب سترها من النساء جميع أبدانهن إلا رؤوس المماليك منهن وقال ابن الجنيد الذي يجب ستره من العورتان وهما القبل والدبر من الرجل والمرأة وهذا يدل على المساواة بينهما وقال ابن الجنيد أيضا لا بأس أن تصلي المرأة الحرة وغيرها وهي مكشوفة الرأس حيث لا يراها غير ذي محرم وكذلك الرواية عن أبي عبد الله (ع) والأقرب الأول.

۲. واما المرأة فالمشهور في كلام الأصحاب ان بدن المرأة الحرة جميعه عورة عدا الوجه والكفين والقدمين، ونقل في المختلف والذكرى عن ابن الجنيد انه ساوى بين الرجل والمرأة في أن العورة انما هي القبل والدبر،... وقال ابن الجنيد: الذي يجب ستره من البدن العورتان وهما القبل والدبر من الرجل والمرأة. وقال ايضا لا بأس ان تصلي المرأة الحرة وغيرها وهي مكشوفة الرأس حيث لا يراها غير ذي محرم لها وكذلك الرواية عن أبي عبد الله (عليه السلام).

وی تصریح می‌کند که جواز نپوشاندن سر برای زن در نماز، مشروط به زمانی است که نامحرم وی را نمی‌بیند. این جمله به‌خوبی نشان می‌دهد که وی همچون تمام علمای شیعه و سنی پوشاندن سر در برابر نامحرم را برای زن واجب می‌داند. با دقت در نقل قول علامه حلی و دیگران از ابن جنید، معلوم شد که آن عبارت وی که از تساوی معنای عورت در زن و مرد سخن گفته، صرفاً ناظر به معنای این واژه بوده است و اگر حکمی هم از آن مدنظرش باشد، همان حکم عمومی پوشش است که هم زن و هم مرد در مقابل همگان (یعنی حتی در مقابل هم‌جنس خویش و در مقابل محارم) موظف به رعایت آن هستند. از این جهت موضع ابن جنید هیچ تفاوتی با دیدگاه دیگر فقهای شیعه ندارد؛ از این رو علامه حلی نیز در این کتاب که هدفش گزارش اختلاف فتاوی علمای شیعه و بررسی ادله آن‌ها در این اختلاف بوده، این عبارت وی را فتوایی ندانسته است که باعث اختلاف وی با دیگران بشود و هیچ اشاره‌ای به ادله و نقد آن نداشته است.

منابع

ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ ق). مجموعه فتاوی ابن جنید (علی پناه اشتیاردی، محقق). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة (عبد السلام محمد هارون، به‌کوشش). قم: مکتب الأعلام الاسلامی.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ ق). المهذب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ ق). الحلائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (محمدتقی ایروانی، و سید عبدالرزاق مقرر، به‌کوشش). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

پاکتچی، احمد (۱۳۹۱). روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

ترکاشوند، امیرحسین (۱۳۹۰). حجاب شرعی در عهد پیامبر (ص). تهران: امیرحسین ترکاشوند.

خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

سعیدی، فریده (۱۳۹۳). تشریح حجاب در اسلام و حدود فقهی. فقه و حقوق خانواده. ۱۹ (۶۱)، ص ۴۵-۷۰.
سوزنجی، حسین (۱۳۹۳). حجاب در آیات و روایات، تقلیدی بر کتاب حجاب شرعی در عهد پیامبر (ص). تهران:
بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).

شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ ق). ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام
صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث
العربی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ ق). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دار الکتب الإسلامية.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامية.
علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)
(محمدباقر محمودی، به کوشش). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (سید هاشم رسولی محلاتی،
به کوشش). تهران: دار الکتب الإسلامية.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۶ ق). ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی
نجفی.

محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ ق). ذخیرة المعاد فی شرح الإرشاد. قم: مؤسسه آل البيت
علیهم السلام.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ ق). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: مؤسسه آل
البيت علیهم السلام.

میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۱۷ ق). غنائم الأيام فی مسائل الحلال والحرام. قم: انتشارات دفتر
تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

